فهرست مطالب

[اشاره 3](#_Toc20223300)

[طرح مسائل جدید فقهی 3](#_Toc20223301)

[توسعه ابواب فقهی 3](#_Toc20223302)

[مباحث فقهی که قابلیت توسعه دارند 4](#_Toc20223303)

[افزایش فهرست کتب موجود فقهی 4](#_Toc20223304)

[فقه روابط اجتماعی 5](#_Toc20223305)

[علاقات العامه 5](#_Toc20223306)

[مسائل مطروحه از منابع روایی 5](#_Toc20223307)

[احکام مثبت و منفی در روابط اجتماعی 5](#_Toc20223308)

[الگوهای طرح مباحث سلبی و ایجابی 6](#_Toc20223309)

[تنظیم نگرش‌های میان فردی 6](#_Toc20223310)

[علاقات و کشش‌های میان فردی 7](#_Toc20223311)

[سلوک و رفتار خارجی مکلف 7](#_Toc20223312)

[مراحل کلی روابط اجتماعی 7](#_Toc20223313)

[حب و بغض 7](#_Toc20223314)

[مقدمه اول 8](#_Toc20223315)

[تعریف حُبّ 8](#_Toc20223316)

[تعریف تحلیلی حُبّ 8](#_Toc20223317)

[تعریف تحلیلی بغض 8](#_Toc20223318)

[ویژگی‌های حُبّ و بغض 9](#_Toc20223319)

[حُبّ و بغض از مقولات کیف نفسانیه 9](#_Toc20223320)

[معنای حُبّ و بغض در اشارات مرحوم نراقی 9](#_Toc20223321)

[تأثیر علم در حُبّ و بُغض 10](#_Toc20223322)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض / تعریف

# اشاره

با توضیحاتی که چندین بار تا الآن ارائه کردیم، فقه نیازمند انواع و اقسام این تطوراتی که در نوسازی فقه یا فقه معاصر لازم است، این مسئله را در حدود هشت محور بیان کردیم، یکی از محورها این است که مباحثی در فقه به شکل متفرق وجود داشته است، اما سامانه منظمی در فقه پاسخگوی آن نبوده است، همین‌طور مباحثی در علم اخلاق وجود دارد که از منظر فقهی هم ظرفیت بحث با منهج اجتهادی دارد، شبیه برخی از موضوعات اخلاقی که مرحوم شیخ در مکاسب محرمه از اخلاق استفاده کرده و موردبحث قرار داده است.

# طرح مسائل جدید فقهی

از منظر دیگر، مباحث و مسائل جدیدی هم در علوم جدید و دانش‌های جدید و زندگی جدید پدیدار شده که آن‌ها هم پاسخی می‌خواهد، با توجه به این مسائل، ما از دیرباز با توجه به رویکردهای متفاوت معتقد بودیم که بین ده تا بیست کتاب و باب جدید در فقه موردنیاز است، در سامانه فقه که امروز به‌عنوان کتاب‌های فقهی ذکر می‌شود و در شرایع جمع شده، بعد هم در دیگر کتب قرار گرفته است، بالای پنجاه باب فقهی در کتب مفصل فقهی قرار دارد.

در منظومه این کتب موجود، یک کتاب‌ها جدید فقهی نیاز داریم، این غیر از مسائل مستحدثه و جدید است، بخش‌هایی است که باید در دل این کتاب‌های موجود گنجانده بشود.

# توسعه ابواب فقهی

بنابراین یک محور در تحولات فقهی این است که در درون این ابواب کتاب‌های سنتی موجود، مسائل و مباحث و فصولی افزوده بشود، در همه این کتاب‌های موجود، تقریباً این ظرفیت در فقه معاصر - یعنی پرداختن به مسائل نو، پایه‌ریزی سؤالات جدید و بخش‌ها و فصل‌های جدید در ضمن همین ابواب موجود – هست، باید هم انجام بشود، کم‌وبیش هم انجام‌شده و باید کار بیشتری انجام بشود، سیاست ما هم این است که این‌ها را ترغیب و تشویق و حمایت بکنیم، یعنی از کتاب طهارت تا دیات، یک توسعه و افزایش ظرفیت و گنجایش بیشتر با طرح مسائل و مباحث جدید با درجات متفاوت نیاز هست.

# مباحث فقهی که قابلیت توسعه دارند

در کنار محور اول، محور دوم این است که بعضی از مسائل و مباحث است که از یک توسعه‌ای برخوردار است که ظرفیت این را دارند که به شکل مستقل در عرض کتاب صلاة و حج و امثالهم کتابی پایه‌ریزی بشوند، در این محور، بین ده تا بیست عنوان قابلیت طرح دارد، بخشی از این‌ها در این درختواره جدید رشته‌های حوزه هم پیش بینی شده است، درختواره‌ای که در دو سال حدود شش‌صد نفر روی آن کار می‌کردند و مشاوره می‌دادند، در حال حاضر تقریباً تمام است، مقداری در سطح چهار هست و بخشی هم در سطح ویژه و سطح پنج دیده‌شده و حدود سیصد گرایش و رشته مقطع در آن دیده شده است، در حوزه حقوق و فقهش، بخشی از ایده‌ها در آنجا منعکس شده است و پیش‌بینی شده است.

# افزایش فهرست کتب موجود فقهی

محور دوم؛ درواقع افزایش فهرست کتاب‌ها موجود از وضع فعلی به یک وضع جدید که بین ده تا بیست عنوان ظرفیت دارد، هست.

مباحثی که در این مجموعه از قدیم پیگیری می‌شده است بدین شرح است:

1 – تعلیم و تربیت به‌عنوان یک کتاب فقهی، فقه التربیة، به رغم تعدد و تنوع کتاب‌ها، کمی نیازمند بازسازی است که در قالب دو یا سه جلد با زبان عربی با ادبیات فقهی‌تر نوشته بشود.

2 – کتاب و فقه اعتقادات و عقیده است، به خاطر شرایط ما کمی آرام‌تر جلو می‌رود.

3 – فقه عبادی، چیزی فراتر و کلان‌تر از آنی که در صلاة و ابواب است، کم‌وبیش در حال انجام است.

4 – فقه روابط اجتماعی، همچنین فقه الاداره و فقه هنر و امثالهم است که کم‌تر کار شده است.

این مباحثی است که از قدیم درصدد پایه‌ریزی بودیم، در بعضی از آن‌ها توفیقات نسبی اندکی حاصل شده است، بعضی هم خیلی موفق نشدیم که ورود پیدا بکنیم.

# فقه روابط اجتماعی

کتابی که در فقه جای آن خالی است، فقه روابط عام اجتماعی است، سال‌های قبل توضیح دادیم که این فقه و این کتاب در حقیقت متکفل بیان اصول و ضوابط و قواعد و احکام حاکم بر روابط یک انسان با انسان‌های دیگر، با قطع‌نظر از این عناوین خاص است.

# علاقات العامه

انسان دیگر؛ بما هو انسان یا بما هو اهل الکتاب یا بما هو المسلم یا بما هو مؤمنٌ و متشیع، این چهار عنوان در مدار بحث موردتوجه است، قسمت‌هایی از آن در فقه موجود است، یک‌قسمتی‌هایی نیست.

بنابراین محور آن کتابی که ما در این روزها پیگیری خواهیم گرفت، همین العلاقات العامه است، روابط عام اجتماعی است، عنوانی که در اینجا وجود دارد، رابطه یک انسان با دیگران، فقط در همین محدوده عناوین عامه مذکور است.

دیگرانی که انسان است، اهل کتاب است، مسلمان است و شیعه است، اما دیگرانی که یک رنگ‌های خاص‌تری پیدا می‌کنند، مثل پدر، مادر، همسایه، خانواده و امثالهم، این‌ها در یک سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد و از این بخش جدا می‌شود، البته بیان شده است که ممکن است در هر یک از این محورهایی که در این بخش متعرض می‌شویم، به سطوح پایین‌تر هم بپردازیم، اما منطقاً، فعلاً قرار بر جدا کردن است و قرار دادن آن‌ها در کتب دیگر است.

# منابع بحث

بخشی از مسائلی که در اینجا مطرح می‌شود، در اخلاق مطرح است، بخشی هم در روانشناسی و ارتباطات است، جاهای مختلفی در علوم انسانی است که گرفته می‌شود و موردتوجه قرار می‌گیرد، منبع اصلی این‌ها آن خطوطی است که در کتاب العشره وسائل و بحار ذکر شده است و همین‌طور کتاب معروف آمده است و همچنین ابوابی از این قبیل در کتب روایی وسائل و وافی و بحار و کتب اربعه و امثالهم ذکر شده است.

# احکام مثبت و منفی در روابط اجتماعی

طبعاً در این روابط اجتماعی و معاشرتی و سلوک عام اجتماعی، مثبت و منفی داریم، عناوینی داریم که واجب یا مستحب است، در نقطه مقابل عناوینی است که حرام یا مکروه است، البته برخی از آن سلوک‌ها هم می‌تواند مباح باشد، این سلسله سلوک‌های واجب و مستحب است که مثبت است، ممکن است حدود هفتاد مورد باشد، همین‌طور سلسله روابط و اصولی که منفی است، درواقع حرام و مکروه است، به همین صورت است، در اخلاق هم بخشی از این‌ها ذکر شده است، اما چیزی که ما اینجا مطرح می‌کنیم؛ از حیث احکام واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح در رابطه شخصی با شخص دیگر، تعیین تکلیف می‌شود.

دو گروه است که در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، در بسیاری از موارد هم آن عنوانی که در آن فهرست ایجابی است، با آن عنوانی که در فهرست سلبی است، علاقه تضاد دارند، گاهی هم ممکن است علاقه ملکه و عدم ملکه باشد، مثل حسن ظن و سوءظن یا حب و بغض، این‌ها یکی از علاقه‌های تضاد یا ملکه و عدم ملکه یا احیاناً امکان دارد که نقیضین باشند.

# الگوهای طرح مباحث سلبی و ایجابی

دو الگو بود؛ یک الگو این بود که آن‌ها را در یک بخش مطرح بکنیم و سلبیات را در بخش دیگر مطرح بکنیم، یک الگو این بود که این دو به دلیل اینکه خیلی به هم اتصال دارند، سلب و ایجابی هر مبحثی را باهم مطرح بکنیم که در حسن ظن و سوءظن این‌طور بود، اولین فصل راجع به حسن ظن و سوءظن بود، این هم الگویی است که فعلاً بر اساس آن پیش می‌رویم، ممکن است جاهایی ضرورتی ایجاد بشود که فاصله‌ای از این الگو بگیریم.

این مفهوم کتاب روابط اجتماعی است، شیوه هم فقهی و اجتهادی است، تنظیمش هم به شکل سلب و ایجاب یا مثبت و منفی در روابط اجتماعی است، در آنجاهایی که به شکل علاقه‌های تضاد یا ملکه یا تناقض است.

# الگوی سه مرحله­ای در تنظیم مباحث

نکته دیگر که بیان شد، این بود که شروع بحث ما از حسن ظن و سوءظن بود، دلیل مسئله این بود که یک الگوی سه مرحله‌ای، راهنمای تنظیم ابواب و فصول این کتاب جدید فقهی است.

 آن الگوی سه مرحله‌ای این‌طور است که ارتباط من با دیگران در همان سطوح عام، معاشرت‌های عام انسانی به معنای چند عنوان کلی، است.

## مرحله اول: نگرش‌های میان فردی

اولین محور این بحث این است که در درون نگرش من به دیگران، چه نگرشی باشد؛ نگرش مثبت و منفی که در ادبیات روانشناسی و روابط میان فردی و علوم انسانی این تعبیر ذکر شده است، در ادبیات ما همان حسن ظن و سوءظن است، نگرش‌های ما به دیگران چگونه باید تنظیم بشود؟ ضمن نگرش، شناخت و امثالهم هم قرار می‌گیرد.

## مرحله دوم:گرایش و کشش‌های میان فردی

محور دوم؛ محور علاقه و کشش‌ها و گرایش‌های من با دیگران است، اینکه یک مکلف، کشش‌ها و گرایش‌هایش نسبت به دیگران چگونه تنظیم بشود، از گرایش‌های محبت‌آمیز تا نفرت‌آمیز، طیفی از عواطف و احساسات نسبت به دیگران که درونی است، چه وضعیتی دارد؟

## مرحله سوم:سلوک و رفتار میان فردی

محور سوم؛ در مقام سلوک خارجی و رفتارهای بیرونی، رفتار مکلف با دیگران چگونه تنظیم بشود؟ دامنه فصل سوم خیلی وسیع است، مرحله اول و دوم مضیق‌تر است و مباحث پایه است.

غالب آن فهرست ایجابی و سلبی که در کتب العشره یا کتب الایمان و الکفر در بحار مواجه می‌شویم، سلوکی و رفتاری است، اقدامات عملی مثبت و منفی است که دامنه وسیعی دارد.

# مراحل کلی روابط اجتماعی

بنابراین در فقه روابط اجتماعی، سه مرحله کلی است:

1 – مرحله نگرش‌ها

2 – مرحله گرایش‌ها و کشش‌ها و عواطف

3 – سلوک و رفتار و اقدام

قبلاً حسن و سوءظن را بحث کردیم، خطوط کلی مسئله را در جلسات یک‌ساله موردبررسی قراردادیم، به نتایجی هم رسیدیم، البته آن بخش تمام نشد، یعنی تفریعاتی دارد که در مقام نگارش، بر اساس آن اصول دوستان کار می‌کنند، به فروعات نپرداختیم که إن شاء الله در مقام تدوین انجام خواهد شد.

# حب و بغض

بحث جدید ما در فصل دوم در روابط اجتماعی عبارت از حب و بغض نسبت به دیگران است، دوستی و دشمنی نسبت به دیگران چه حکمی دارد و از منظر فقهی چگونه می‌شود مورد داوری محمول شرعی و فقهی قرار بگیرد.

قبل از اینکه وارد مباحث فقهی و ادله و مدعیات بشویم، مثل هر بحث دیگری، از آغاز مبحث دوم، چند مقدمه را باید راجع به حب و بغض ذکر بکنیم:

## مقدمه اول

### تعریف حُبّ

مقدمه اول مربوط به تعریف حب و بغض است، حُبّ و حَبّ و حِبّ در مقاییس سه اصل دارد که دو اصلش عبارت است از چیزهایی که می‌تواند با بحث ما ربط داشته باشد، یکی اللزوم و الثبات است، یکی از معانی اصلی حبّ، لزوم و ثبات است، یکی دیگر از معانی اصلیش الحبة من الشیء، دانه شیء، چیزهایی که حالت دانه‌ای دارد، در عربی به قرص، حبه و حب و امثالهم می‌گویند.

از بعضی از کلمات ظاهر می‌شود که شاید یک اصل بیشتر نداشته باشد که به معنای دانه و امثالهم است، لزوم و ثبات هم گویا متفرع بر آن است، آن دانه یک هسته محکمی است که در آن یک استحکام و ثباتی است.

با استناد به این‌ها گاهی در لغت گفته‌شده که حَب یا حبه به آن سویدای قلب هم می‌گویند، به‌این‌علت سویدای قلب گفته‌شده چون برگردانندِ به دانه شده است، محبت هسته‌ای است که عمق دل ریشه می‌دواند.

بغض هم در لغت بیشتر به معنای نفرت و امثالهم ذکر شده است.

### تعریف تحلیلی حُبّ

وقتی خواستند یک تعریف تحلیلی از این حُبّ ارائه بدهند، تعریفی که در فلسفه و اخلاق و کتب مختلف ما ذکر شده است، تعریف تحلیلی یعنی همانی که در لغت وجود دارد، در ادبیات تحلیلی تبیین می‌شود، بعد خواهیم گفت که بحث محبت در علوم مختلف چه جایگاهی دارد، وقتی به جامع السعادات جلد سوم که یک‌فصل مفصلی در باب محبت دارد، مراجعه بکنید، این تعریف در آنجا ذکر شده و درجاهای دیگر هم بیان شده است، این تعریف تحلیلی و فلسفی حُبّ و بغض است که مرحوم نراقی در جامع السعادات و همین‌طور در کلمات ملاصدرا، بوعلی ذکر شده است که میل و طبع إلی ما یلائمه و یلتذ به یا الاحساس بالمیل إلی شیءٍ ملذ یا إلی شیءٍ یلذ به الانسان.

### تعریف تحلیلی بغض

در باب بغض هم این‌طور است که النفرة عن شیءٍ فیه ألمٌ للإنسان یا إلی شیءٍ مولم، تعبیر بهترش این است که المیل إلی ملذٍ للإنسان، البغض النفرة عن المولم للإنسان، کشش و علاقه و میل به چیزی است که انسان به نحوی از آن بهره می‌برد، بعد درجات متفاوت بهره‌های اعم از معنوی و مادی را بیان خواهیم کرد.

با توجه به اینکه این تعریف علی‌الاصول، تعریف نسبتاً خوبی است، بعد از اشاره خیلی کوتاه به لغت و عمدتاً به این تعریف تحلیلی، نکاتی را در تبیین این دو مفهوم و ویژگی‌هایش اشاره می‌کنیم:

### ویژگی‌های حُبّ و بغض

#### حُبّ و بغض از مقولات کیف نفسانیه

1 – حُبّ و بغض از مقوله کیف نفسانی هستند، همان‌طور در کتاب‌های منطق و فلسفه مراجعه کردید، در آن ده مقوله، یک مقوله‌ای که از اهمیت خیلی بالایی برخوردار است، مقوله کیف است، بعد جنس به چهار نوع تقسیم می‌شود که یک نوعش کیف نفسانی است، کیف نفسانی هم انواعی دارد که یکی از انواع آن‌ها حُبّ و بغض است.

جایگاه حُبّ و بغض در آن منظومه مقولات عشر به ترتیبی است که اشاره کردیم؛ کیف است که جنس عالیه است، نفسانی است که فصلش است و نوع می‌شود، مرحله سوم؛ کیف نفسانیٌ که عبارت از کشش و میل به شیئی است – شیء به معنای عامش، خداوند و انسان و طبیعت و امثالهم – میل به سمت چیزی است که ملذ است یا ملائم با طبع و نیاز و خواسته انسان است، بغض هم همین‌طور است، اما در مرحله آخر میل منفی است، نفرت و گریز است.

#### معنای حُبّ و بغض در اشارات بوعلی

2 –بهترین جایی که مباحث لذت و أَلَم را خوب ارائه کرده‌اند، جلد سوم اشارات، نمط هشتم است، عنوان آن فی البهجة و السعادة است، حقیقتاً اشارات یک کتاب خواندنی بسیار زیبا و دقیق و عمیق است، حدود بیست‌وچند سال قبل که اشارات می‌گفتم، به گمان می‌آمد که یکجاهایی، ظرائف و دقائقی در اشارات است که در اسفار نیست، خیال خامی آن‌وقت داشتم و از آن دفاع می‌کردم، مرحوم خواجه در ابتدای اشارات می‌فرمایند: کلامه فی هذا الکتاب یجری مجری النصوص، بر خلاف قانون و شفا و کتاب‌های دیگر بوعلی سینا که یک ادبیات درهم‌ریخته نامنظمی دارد، ایشان می‌فرمایند: در حد روایات است، یعنی کلمات خیلی متقن و دقیق تنظیم شده است، هرکسی بخواهد کار علمی دقیقی انجام بدهد، دیدن کتاب اشارات خیلی برایش ارزشمند است.

نمط بوعلی سینا گرایش فلسفی دارد، اما درعین‌حال به‌تدریج یک شوق عرفانی در زندگیش پیدا شد و اشارات هم جزء آخرین کتاب‌هایی است که نوشته است، اوج نگاه معنوی، اخلاقی، عرفانی بوعلی سینا در نمط هشت و نه و ده است، یک نوع اخلاق و عرفان خیلی منقح و با نگاه فلسفی است، مستدل هم است.

المنط الثامن فی البهجة و السعادة است، وقتی می‌خواهد سعادت را معنا بکند، به مفهوم پایه لذّت می‌رسد، لذت و أَلم دو مفهوم پایه در زندگی بشر است.

المیل إلی ما یلائمه بالطبع أو ادراک الشیءٍ ملائم لطبع، چنین تعریفی برای لذت و ألَم دارد.

نکته دوم در تحلیل حُبّ و بغض این است که در هسته معنایی حُبّ و بغض به لذت و ألَم می‌رسیم، یعنی حَبّ به چیزی تعلق می‌گیرد که برای شخص لذت‌بخش باشد، همان ملائمت با طبع داشته باشد، این حالت روان‌شناختی هیجان و عاطفه مثبت و منفی به نام حُبّ و بُغض، منشأش این است که اگر به سمت چیزی باشد که لذت‌بخش و فرح‌بخش است، در این صورت محبت می‌شود، حب به آن مُلِذ تعلق می‌گیرد و اگر مولم باشد، نفرت به او تعلق می‌گیرد.

بنابراین نکته دوم این است که در هسته معنایی حُبّ و بغض ما به دو مفهوم لذت و أَلَم به‌عنوان مفاهیم پایه می‌رسیم، آن لذت و أَلَم نقش دارد که حَبّ و بغض پیدا بشود، هر امر لذت بخشی محبوب و متعلق علاقه و میل مثبت انسان می‌شود و هر امر آزاد دهنده و مولمی متعلق بغض و نفرت انسان می‌شود، پس این حُبّ و بغض از آن متعلق ناشی می‌شود، یعنی طرف تعلق این حُبّ و بغض است که حُبّ و بغض و درجاتش را تعیین می‌کند.

### تأثیر علم در حُبّ و بُغض

نکته سوم در این تحلیل این است که حُبّ و بغض متوقف بر علم هم هست، وقتی حُبّ و بغض ایجاد می‌شود که شخص نسبت به امر ملذ یا مولم احساسی داشته باشم، آگاهی و علم داشته باشم، علم هم پایه دیگری است که در تولید حُبّ و بغض اثر دارد.

علمی که گفته می‌شود، در دو مرحله است: یکی تصور و دیگری تصدیق است، وقتی حُبّ پیدا می‌شود که تصور این امر ملذ را بکند، مثلاً تصور و توجه بکند به آبی که در رودخانه جاری است، بعد هم تصدیق به فائده باید داشته باشد، تصدیق به آن لذت بخشی هم باید باشد.

در نکته قبلی گفتیم: ملذ و مولم پایه تولید حُبّ و بغض است، در نکته سوم می‌گوییم: ملذ و مولم وقتی مولد حُبّ و بغض می‌شود که تصور و تصدیقی قبلش باشد، هم تصور ملذ یا مولم کرده باشد، هم تصدیق به فائده و ضرر هم کرده باشد، بعد این هیجان پیدا می‌شود.

پس هم امر واقعی خارجی در تولید حُبّ و بغض دخالت دارد، یعنی همان منشأ لذت و أَلَم که همان حسن و قبح باشد، واقعیت آن ملائم و غیر ملائم است، هم بایستی این در دستگاه ذهنی شخص تصور و تصدیقی وجود داشته باشد تا این احساس پیدا بشود.

حُبّ و بغض از مقوله هیجانات و عواطف

نکته چهارم این است که به تعبیر روان‌شناختی، حُبّ و بغض از مقوله هیجانات و عواطف است، یک حالت تحریک و تهییج دارد، در روان‌شناختی فصلی جداگانه به نام عواطف و هیجانات و احساسات است.

دوستی و دشمنی یکی از مهم‌ترین هیجانات است، با ادبیات روان‌شناختی این‌چنین است، با ادبیات فلسفی می‌گوییم که میل و تمایل است، اما در ادبیات روانشناسی می‌گوید که این هیجان است.

عاطفه معانی زیادی دارد، معنای عامش مساوی با همان هیجان و احساسات است، یک نوعی برانگیزانندگی دارد.

هیجان درواقع از آن خوبی و بدی و حسن و قبح و ملائم و منافرتی که در اشیاء وجود دارد، برمی‌خیزد و علم و آگاهی به آن تعلق می‌گیرد، درنتیجه این هیجان تولید می‌شود.

سؤال...

جواب: باید به‌جایی برسد که هیجان فعال بشود که به سمت عمل برود، در واژه‌های مترادف هم اشاراتی می‌کنیم.